



The Role of the Qur'an in the Ritual Dimension of Hajj from the Perspective of the English Orientalist Gerald Hawting in the Encyclopaedia of the Qur'ān (Leiden)

Abd al-Khāliq Fayāz Barātī¹

Abstract

The present study, employing a descriptive–analytical methodology and relying on library research, aims to investigate this topic under the title: The Role of the Qur'an in the Ritual Dimension of Hajj in Muslim Belief and Practice from the Viewpoint of Gerald Hawting. According to Hawting, the Qur'anic teachings related to the devotional–social life of Muslims—particularly those concerning the rites of Hajj—are, both lexically and conceptually, vague, general, and concise. Thus, in order to understand and identify the concrete forms of the rites and rituals, Muslim scholars have resorted to jurisprudential and legal-theoretical analyses as well as narrations, resulting in what he considers the natural, gradual, and historical development of these teachings. Although the author of the entry “Hajj and ‘Umra” presents a purposeful and methodologically structured study and demonstrates relative mastery of historical sources along with attention to detail—features that count as strengths—his unfamiliarity with Qur'anic sciences such as the general and the specific, abrogating and abrogated verses, and the clear versus the ambiguous, as well as his tendency to interpret Qur'anic concepts through social norms external to the Qur'an—environmental, historical, or otherwise—prevent him from reaching accurate conclusions, which constitutes a major shortcoming in his approach. Furthermore, the Qur'an at times outlines general rulings without addressing details, while in other cases it explicitly states those details—an aspect of the Qur'anic method of expression overlooked by the author.

Keywords: The Role of the Qur'an in the Ritual Dimension of Hajj; Hajj; Orientalists; Gerald Hawting; Pilgrimage.

¹ . PhD in Qur'anic Studies and Orientalism, Al-Mustafa International University
FayyazBarati328@gmail.com



نقش قرآن در بُعد عبادی حج از دیدگاه مستشرق انگلیسی، جرالدهاوتینگ در دایره المعارف قرآن لیدن*

عبدالخالق فیاض براتی^۱

چکیده

اندیشمندان غیر اسلامی، از بدو بعثت آخرین سفیر الهی، خود و کتاب و پیروان او را مورد توجه، مطالعه و نقد و ابرام قرار داده اند. در این میان، تاثیر گذاری کتاب اسمانی پیامبر اسلام (ص) از لحاظ تبیین سبک و شیوه ی زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان، در عبادات، ارتباطات و امور سیاسی؛ و میزان تاثیر پذیری مسلمانان از آموزه های قرآنی، در امور یاد شده، مخصوصا در بُعد عبادات، که «عبادت حج» بخشی از عبادات اجتماعی مسلمانان را تشکیل می دهد، مورد توجه، برخی از مستشرقان قرار گرفته است. تحقیق حاضر، به شیوه ی توصیفی- تحلیلی، به صورت کتابخانه ای، بر آن است، که موضوع یاد شده را، تحت عنوان: نقش قرآن در بُعد عبادی حج در نظر و عمل مسلمانان از نگاه جرالدهاوتینگ، مورد مطالعه قرار دهد. در پندار آقای هاوتینگ آموزه های قرآن، در زندگی عبادی- اجتماعی مسلمانان، به ویژه در بُعد عبادت حج، هم از لحاظ الفاظ و هم از لحاظ مفاهیم، مبهم، کلی و مجمل است. عالمان اسلامی برای تفهیم و بدست آوردن مصادق اعمال و مناسک، متوسل به تحلیل های فقهی و اصولی و روایات شده اند. که نتیجه آن تطور و تکامل طبیعی و تدریجی، و تاریخی، آموزه ها هستند. گرچه نویسنده مدخل «حج و عمره»، یک تحقیق هدفمند، روشمند ارائه کرده و تسلط نسبی به منابع تاریخی و توجه به جزئیات داشته، که از محسنات پژوهش است. اما به لحاظ عدم آشنایی به مفاهیم علوم قرآنی مانند: عام و خاص، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، و... و ارتباط دادن مفاهیم قرآنی را به هنجارهای اجتماعی، بیرون از قرآن، مانند هنجارهای محیطی، و تاریخی، از دست یافتن به حقایق باز مانده که از نواقص کار او است. از طرق دیگر قرآن در برخی موارد در مقام بیان یک حکم و قانون کلی است وارد جزئیات نشده، و لی در برخی موارد حتی جزئیات را نیز بیان کرده است. و این شیوه ی بیان قرآن از نظر نویسنده، مغفول مانده است.

واژگان کلیدی: نقش قرآن در بُعد عبادی حج، حج، مستشرقان، جرالدهاوتینگ، Pilgrimage.

*تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۶ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴

۱. دانش آموخته دکترای قرآن و مستشرقان، جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث.

FayyazBarati328@gmail.com.



مقدمه

قرآن کریم در مورد «حج» به معنی قصد و اهنگ خانه خدا؛ در ابعاد و مسائل مختلف آن از جمله: مناسک، احکام، اهداف، فلسفه، و.. سخن گفته است. عمل حج، پشینه‌ای دیرینه، از آدم تا خاتم دارد، اما در سال هفتم هجرت توسط پیامبر اسلام (ص) به فرمان خداوند، احیاء و تمام مردم از سراسر دنیا، بدان فرا خوانده شد، و تا به امروز هم چنان به حیات خود ادامه داده است. از آنجا که مطالعات خاورشناسان و بطور کل دانشمندان غیر مسلمان، در باره ای اسلام، قرآن و زندگی دینی مسلمانان، از نوع مطالعه اثار ناظر و گزارشگر و نگاه از بیرون است، طبیعتاً علمی که از این قسم از مطالعات حاصل می شود، بدلیل اینکه فاصله بین عالم و معلوم وجود دارد، ضریب خطا در تحلیل ها، نگاه ها، نظریه ها، بیشتر است. از طرف دیگر شیوه‌ای مطالعه آنها، جامعه شناسانه و مردم شناختی و مسلمان شناسی است؛ نه اسلام شناسی، و فرق میان اسلام و مسلمان بودن، این است که اسلام یک مکتب است و مسلمان بودن پیروی از آن مکتب. بیشتر انتقادات غربی ها، به رفتار و کردار و عملکرد مسلمانان است، و نه مکتب اسلام. اما برخی اوقات به این نکته ظریف توجه نمی شود، چرا که انتقاد به عملکرد مسلمانان از طریق کامل بودن دین اسلام پاسخ داده می شود، لذا نقادی و پاسخ گویی به موضوع مورد نقد، چندان هم خوانی ندارد. در پاسخ به پندار آقای هاوتینگ که می گوید: بیانات قرآن مجمل و کلی گویی است، و آموزه های حج را خوب بیان نکرده و هم عملکرد مسلمانان مشکل دارد. توجه به هردو جهت (اسلام شناسی و مسلمان شناسی) شده است.

پشینه پژوهش

در باره ی پشینه این موضوع در اثار اندیشمندان مسلمان، کتاب و مقاله زیاد است. از باب، نمونه به مقالات: حج در قرآن، جوادی املی، میقات حج، ش ۴، ۱۳۷۲ش. اسرار و معارف حج، علی، قاضی عسکری، میقات حج، ش ۱۵، ۱۳۷۵ش. حج در کتاب خدا، علوی مقدم، محمد، میقات حج، ش ۲۶، ۱۳۷۷ش. نگاهی به اسرار و معارف حج، نقدی، محمد، میقات حج، ش ۳۱، ۱۳۷۹ش. می توان، اشاره کرد. اما در اثار محققان غیر اسلامی، کتاب: «مکه و مدینه از دیدگاه جهانگردان اروپایی» با ترجمه محمدرضا فرهنگ، نشر حوزه ی



نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، ۱۳۸۴ ش. و مقاله حج از نگاه مستشرقان (با تأکید بر دائرة المعارف قرآن لایدن)، محمد جواد اسکندرلو و سیدحسین علوی، میقات حج، ۱۰۱، ابان ۱۳۹۶ ش. از جمله ی پیشنهادی، این تحقیق محسوب می شود. در باب تفاوت پژوهش حاضر با آثار یاده شده باید گفت که هیچ کدام از آن ها، ساختار و بررسی تفصیلی، مدخل «حج و عمره» را از دایره المعارف قرآن لیدن نداشته اند.

نظریات هاوتینگ

الف-محور تبیینی قرآن از آموزه های عبادتی به نام حج و عمره

۱- مشکلات مفهوم حج و عمره

واژه «حج» ۹ بار در پنج ایه متفاوت و واژه «عمره» دو بار در یک ایه از قرآن به کار رفته، و صیغه های اسمی و فعلی مرتبط با هریک در قرآن آمده، و حتی یک سوره به نام «حج» موسوم شده است. اما تعریفی از این دو واژه در قرآن یافت نمی شود، شاید تعریف آن با توجه به ریشه و سابقه ای که در فرهنگ های سابق و مجاور مکه وجود داشته فرض گرفته شده است. اما لغت شناسان سنتی عرب، «حَجَّ» و «عُمَرَه» را به اندیشه سفر به مکانی (به خصوص حرم) به قصد زیارت، مرتبط دانسته اند. اما این معنی از لغت شناسان عرب، معنای دقیقی آن واژه ها نیست. (G.R. Hawting, 2004, Vo, 4, p. 91). چرا که واژه «حج» از ریشه «ح ج ج» یا «ح و ج» و عمره از ریشه «ع م ر» علاوه بر زبان عربی، در زبان های سامی و عبری نیز وجود داشته. و سامی شناسان، با توجه به عربی متاثر از زبانهای عبری یا زبانهای جنوب عربستان، برای یکسانی ریشه ای واژگانی، چند معنا: (حرکت ارام دسته ای از مردم در یک خط؛ حرکت دایره وار، رقص یا جشن)، پیشنهاد داده اند. و ادعا شده که این ریشه بر عمل رقص یا حرکت ارام دور قربانگاه یا دور دیگر اشیای آیینی، و نیز بر عمل طواف دور خانه کعبه که یکی از بخش های مهم حج و عمره است ارتباط داده اند. در پرتو این معنی می توان حج عربی را گونه ای «جشن زیارتی» تلقی کرد. اما برای «عمره» عربی اسلامی، نمی توان استناد یکسانی از زبان های دیگر



پیدا کرده، و این معانی باز تاب مناسک مسلمانان است، و نه معنای دقیق کلمه. (I bid, 91-92, Vo, 4, p. 2004).

بررسی

پر واضح است که زبان انسانی به عنوان وسیله ارتباطی و انتقال مفاهیم و مقاصد، مانند یک موجود زنده، از لحاظ تاریخی و از لحاظ تحول الفاظ و معانی و ساختارهای صرفی، نحوی و ادبی، و...، در حال تحول و دیگر گونی بوده و هست. زبان ها و گویش های مختلف، گاهی ریشه های مشترک دارند، اما برای افهام و تفاهم خاص، از قیدهای و قواعد خاص و حتی قراین حالیه و کلامیه بهره برده می شود. بطور مثال، کلمه «حج» که مورد بحث ما است، ممکن است، در زبانهای غیر عربی، مانند عبری، اراییی، و...، ریشه مشترک داشته باشد، چنانکه نگارنده مدخل «حج و عمره» مدعی است. اما زبان شناسان عربی، این ریشه مشترک را با قراین حالیه و مقالیه مقید و مشخص ساخته، و معنی خاصی از آن، اراده کرده. چنانکه لغت شناس قرانی مسلمان چنین تعبیری آورده است: اصل «حَجَّ» قصد زیارت است. و در عرف شرع واژه حَجَّ به قصد زیارت خانه خدا، برای برپا داشتن مناسک و اعمال حَجَّ مخصوص شده است. حَجَّ و حِجَّ- هر دو گفته شده، حَجَّ- مصدر است یعنی زیارت کردن و حِجَّ اسم آن است. در سوره توبه ایه ۳: «يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ» یعنی روز قربانی و عید اضحی و روز عرفه است، در روایت «العمرة الحج الأصغر». عمره حَجَّ اصغر است». (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳، ج ۱/۴۵۰).

در نتیجه اینکه برخی از الفاظ و واژه های قرانی، سابقه ی استعمال و کار برد، در دیگر زبان ها را دارند، امر عادی و همگانی است با این تفاوت که، معانی واژه ها، در هر زبانی بر سه وجه است: ۱- معنای لغوی واژه ها، ۲- جایگاه ترکیب آن در جمله ها. ۳- کارکرد نحوی واژه ها. در نوعی ترکیب واژه ها، یک واژه دارای ویژگی ای است که گاه ناشی از قرارداد معنای زبانی است، گاه ناشی از اعراب نحوی، گاه ناشی از جایگاه آن در ترکیب است. (قاضی عبدالجبار معتزلی، المغنی ص ۱۹۹). صاحب کتاب «المخصص» در این زمینه تحلیل خوبی دارد: واژه های که در اصطلاحات شرعی به کار گرفته می شود، علاوه بر معنی لغوی، مفاهیم شرعی نیز



در تعریف و مراد و مقصود از آنها دخالت دارد. به عنوان مثال، واژه «الصلاة» در نزد لغت دانان عرب، به معنی «دعا» است. اما وقتی در قرآن و اصطلاحات فقهی و شرعی مورد استفاده قرار می گیرد، در ضمن معنای لغوی، مقاصد شرعی نیز مراد است، که در این صورت، حقیقت شرعیه خواهد بود، و اسم است برای ان عبادت و افعال خاصی که مورد نظر شرع است. واژه های «حج»، «زکاة»، «اعتکاف»، «صوم»، و... نیز همین طور است. مثلاً واژه «حج» در لغت به معنی مطلق قصد است. اما در زبان شرع و در زبان قرآن که بیانگر احکام شرع است، «حج» اسم قرار داده شده برای تمام ان اعمالی که به قصد معین، در زمان معین، در مکان معین، با نیت معین، توسط مکلف خاص انجام می گیرد. (ابن سیده، بی تا، ج ۱۳/۸۵-۸۶). این در حالی است که خود آقای هاوتینگ معنای روشنی برای کلمه «حج» ارائه نکرده است.

۲- اعمال و مناسک حج و عمره و مشکل تطبیق برخی از مکانها با حج امروزی

در برخی از آیات قرآن، دو قرائت «حَجَّ بِالْفَتْحِ وَ حَجَّ بِالْكَسْرِ» دیده می شود، اما ظاهراً تنها تفاوت در تلفظ است، و تفاوت معنایی ندارد. در برخی دیگر از آیات قرآن، گاه به صورت فعلی «...فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتِ أَوْ اعْتَمَرَ...» (بقره/۱۵۸) و گاه به گونه ای اسمی «أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...» (توبه/۱۹)، و گاه به صورت جمله و عبارت، به احکام، مناسک حج، و یا به مکان مقدسی که اعمال حج در انجا، انجام می شود، اشاره شده است. اما ایاتی که جزئیات را بطور کافی، بیان نماید در قرآن وجود ندارد.

«در قرآن به جزئیات شکل صحیح اعمال عبادی پرداخته نشده بلکه اغلب به آنها صرفاً اشاره شده، ظاهراً فرض بر این است که این اعمال اجزایی سازنده معمول زندگی دینی اند که شکل آنها از قبل معلوم است. لذا برای وضوح بخشی به جزئیات اعمال باید به متون غیر از قرآن مراجعه شود.» (G.R. Hawting, Worship, EQ, 2006, VO.5. p. 556.)

بنابر این ان دسته از مناسکی که در اعمال عبادی مسلمانان وجود دارد، را از آیات نمی توان استفاده کرد. جنبه های متعددی از احکام، و مناسک زیارتی، در برنامه های اعمال حج وجود دارد که در قرآن به آنها، هیچ اشاره ای نشده است. در نتیجه:



«تفصیل احکام اسلامی مربوط به حج و عمره اساساً مبتنی بر عبارت های قرآنی نمی باشند چرا که قرآن به ندرت به جزئیات اعمال عبادی پرداخته است». وقتی جزئیات انجام اعمال عبادی را نتوان به متن قرآن ارتباط داد، ناچار به سنت (رفتار، گفتار و تقریر معصومین(ع)، از جمله پیامبر(ص). نسبت داده می شود» (G.R. Hawting, 2004, Vo, 4, p. 92.

با این وجود، جزئیات اعمال و مناسک حج و عمره را باید در منابع تفسیری و فقهی، که عمدتاً مبتنی بر روایات است جستجو کرد. در این منابع (تفسیری و فقهی) نیز، گاه تفاوت های بین اعمال مسلمانان، با آموزه های فقهی، و پاره ای از مطالب قرآنی وجود دارند؛ که مفسران می کوشند، تا سازگاری بین آنها ایجاد کنند و یا وجهی برای آنها بسازند، اما در پاره ای موارد، مطالب قرآنی از این منظر حاد تر است و قابل توجیه نمی باشند. به عنوان مثال در موارد مشخص، مثل اصطلاح شناسی و بعضی اسامی خاص، رابطه میان محتوای آیات قرآن و حج و عمره ای که در فقه و عمل مسلمانان دیده می شود، یا اصلاً وجود ندارد، یا منطبق بر قرآن نمی باشند. مثال های زیر بعضی از این اختلاف های ظاهری و شگردهای تفسیری را که به نظر می رسد برای حل این تعارض به کار گرفته شده اند، نشان می دهند، تا نا همگونی ها، همگون شوند، لذا در ادامه ایاتی از قرآن و تفسیرهای مختلف مورد مطالعه قرار می گیرد. (Ibid).

۳- ایاتی که بیانگر اعمال حج است

ایه اول

«إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا، وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ» (بقره/۱۵۸).

۱-۱-۳، سعی و طواف

در این ایه شریفه طواف بین صفا و مروه، در مناسک حج و عمره بیان شده است. و مفسران اسلامی بدون هیچ بحثی سعی را با طواف که در ایه به کار رفته یکی دانسته اند. در



مباحث مربوط به مناسک، در احادیث و کتاب های فقهی نیز، به جای کلمه «طواف» از کلمه «سعی» استفاده می شود. (G. R. 2004, Vo, 4, p. 92-93).

بررسی

طواف، از ریشه تطوف از باب تفعّل در لغت «الطَّوْفُ الدَّوْران حول الشيء» و در اصطلاح شرع «هو الدوران حول البيت الحرام». (تهانوی، ۱۹۹۶م، ج ۲/۱۱۴۰). در قرآن در آیه مورد بحث «فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا» (بقره/۱۵۸). و در آیه «يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ حَمِيمِ آين» (رحمن/۴۴)، به معنی رفت و آمد استعمال شده است. از استعمال قرآنی و لغوی بدست می آید که طواف به معنی رفت و آمد میان دو شیء یا هر حرکتی که انسان دوباره به جایگاه اول برگردد، است، چه به صورت دوری باشد مانند طواف دور کعبه که حرکت دایره وار است مانند «وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (حج/۲۹). یا به صورت طولی که حرکت بین صفا و مروه است. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱/۲۴۵). بنابر این، طواف دور زدن در اطراف صفا و مروه نیست بلکه گردش میان آنهاست که شامل سعی می شود. (قرشی، ۱۳۷۸، ج ۴/۲۴۹).

واژه «سعی» و مشتقات آن ۳۰ بار در ۲۸ آیه از قرآن آمده است. در کتب لغت، به معنای های تند رفتن، عمل، کسب، کوشش، دویدن، قصد، استعمال شده است. راغب گوید: سعی مشی سریع است که بعد دویدن نیست و بطور استعاره بجذّیت در کار اطلاق می شود خیر باشد یا شر. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳، ص ۴۱۱). در قرآن نیز به معناهای: تند رفتن، دویدن، تلاش و کوشش بکار رفته است. مانند آیات: ۲۰ سوره قصص، ۲۰ سوره یس، و...، بنابراین در عمل حرکت و دویدن؛ دو کلمه «طواف و سعی» هم معنی است. در نتیجه می تواند در مصداق به جای همدیگر به کار رود.

۱-۲-۳، «لاجناح» در وجوب طواف

بحث دیگر در آیه شریفه عبارت «لاجناح» بیانگر عدم وجوب طواف بین صفا و مروه است، اما در مباحث فقهی بدون هیچ اختلاف نظری، که طواف بین صفا و مروه، بخش اصلی مناسک حج شمرده می شود، واجب شمرده شده است. البته تلاشهای مفسران، و وجود چند



روایت، «جناح» را به «اثم» تاویل کرده و توجیه می کند که مراد از «جناح»، اطمنان بخشیدن به نگرانی های حج گزاران است. چرا که حج گزاران بخاطر وجود بت های «نائله» و «اساف»، در زمان مشرکان، از طواف و سعی، در بین صفا و مروه کراهت داشتند، و ایه شریفه این کراهت را بر می دارد. در شان نزول ایه، نیز همین امر پیشنهاد شده است، که مردی در زمان بت پرستان در کوه صفا و مروه، اعمال آنها را انجام می داد، و حالا که خبری از شرک و بت پرستی نیست، و طبق ایه ۲۹ سوره حج، خداوند مناسک حج را واجب کرده، آیا این عمل سعی بین صفا و مروه، بخاطر وجود آن دو بت (نائله و اساف) در سابق؛ کراهت ندارد؟ ایه نازل شد و گفت «لا جناح» هیچ کراهتی ندارد. (G.R. Hawting, 2004, Vo, 4, p. 92-93).

بررسی

واژه «جناح» ۲۵ بار در قرآن مجید آمده است و در لغت به معناهای (جنایت، جرم، اثم، تضییق، میل از حق، بال و دست پرنده و انسان). (صاحب، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۴۱۱/۲). استعمال شده است. در قرآن نیز به معانی «بال» (انعام/۳۸)، «جانب و طرف» (قصص/۳۲)، «میل از حق» (انفال/۶۱)، «اثم و گناه» (بقره/۲۳۵)، به کار رفته است، که می توان به معنی محذور و حرج توسعه داد. حالا کلمه «جناح» اگر با لاء نفی ترکیب شود، یعنی «لا جناح» گفته شود، یعنی اینکه محذوریت و منع و حرج و گناهی نیست. در ایه مورد بحث، همانطوری که آقای هاوتینگ خود نیز گفته است، بر حج گزار هیچ منع، محذور و گناهی نیست که با توجه با سابقه وجود بت ها در آن مکان، سعی بین صفا و مروه را انجام دهد. مولف «اقصی البیان» بسیاری از مطالب «کنز العرفان» را باز گو کرده و افزوده است: علّت این که، در قرآن گفته شده: ... فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ... این است که مسلمانان در آغاز می پنداشتند که سعی میان صفا و مروه و طواف آن دو، گناه است؛ زیرا طواف برای بزرگداشت آن دو بت پنداری صفا و مروه بوده، پس از اسلام و شکستن بت ها برای مسلمانان نیز سعی میان آن دو، استوار بود و حتی برای آنان حَرَجی بود، خدا این حَرَج را برداشت و فهماند که کار بت پرستان حج گزار جاهلی که بت ها را طواف می کردند و بر آنها دست می کشیدند و آنها را مسح می کردند، گناه



بود و نوعی کجروي، و چون هدف تغییر کرد، قرآن گفت «...فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ...» یعنی هیچ گناهی و نگرانی بر حج گزران اسلامی نمی باشد. (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۲/۴۱۱).

۱-۳-۳، تطوع و استحباب در سعی

مطلب سوم، عبارت «من تطوع» است، این عبارت بیانگر این مطلب است، که منسک سعی بین صفا و مروه، یک امر مستحب و اختیاری است، ولی بیشتر عالمان اسلامی، آن عمل را واجب دانسته و برای توجیه این عبارت قرانی، گفته اند، کلمات پایانی ایه، مربوط به کسانی است، که بخواهند حج یا عمره مستحبی بجای آورند، اشاره دارند. و ربطی به سعی بین صفا و مروه ندارد. در نتیجه این ارای متعارض بر خلاف بیانات قرآن در این گونه مسائل است. (G.R. Hawting, 2004, Vo, 4, p. 92-93).

بررسی

واژه «الطَّوْعُ» به معنی انقیاد و فرمانبری، و نقطه مقابل «الکَرْهُ» به معنی نافرمانی است. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳، ص ۵۲۹). در برخی از آیات قرآن، (رعد/۱۵)، کلمه «طوع» به معنی رغبت و اشتیاق، و کلمه «کرها» به معنی الزام و اجبار، بی میلی و بی رغبتی به کار رفته است. در ایه مورد نظر نیز واژه ی «تطوع» به معنی اشتیاق و رغبت به کار رفته است. و مراد این است که اگر حج گزاری، از روی میل و رغبت و اشتیاق، سعی بین صفا و مروه را انجام دهد، بهتر است تا اینکه از روی کسالت و بی میلی و اکراه انجام دهد. بحث در کسالت و اشتیاق عمل است، نه در وجوب و استحباب عمل؛ چنانکه مفسرین نیز به این نکته اشاره کرده اند. «...وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا..» (بقره/۱۵۸) آیا این آیه در تشریع سعی است؟ و یا استحباب آن را می فهماند؟، به نظر المیزان: بر معبد و شعیره بودن صفا و مروه دلالت دارد که خدا عبادتی در آنها تشریع فرموده و تفریع «فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتِ ..» اعلام اصل تشریع سعی میان صفا و مروه است نه برای افاده ندب و استحباب و گرنه مناسب بود که سعی را مدح کند نه اینکه ذم آن را نفی نماید. و جمله «...مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا..» مانند تعلیل بر تشریع سعی با يَكْ قاعده کلی است و چنین تشریع در قرآن شایع است که در تشریع جهاد گفته «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ» (صف/۱۱)، و در تشریع روزه



گفته «أَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ» (بقره/۱۸۴)، و در تشریع نماز قصر گفته: «فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ» (نساء/۱۰۱؛ قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۴/۲۵۰) بنابر این کلمه (تطوع) از ماده طوع به معنای اطاعت است، اصل طوع به معنای چیزی است که بدون کراهت آورده شود، و این هم با واجب تطبیق می کند و هم با مستحب، همچنانکه در آیه ۱۵ سوره رعد «طوعا» «...فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا...»، در مقابل «کرها» آمده است و در عین حال در اطاعت امر وجوبی نیز استعمال شده است. و این مطلب را عالمان اسلامی مورد حلاجی قرار داده اند. بنابراین جمله «فمن تمتع...» گرچه به حسب ظاهر، آیه مفید معنای اختیار بر حج تمتع است، اما بر اساس دلیل روایی که به عنوان قرینه منفصله در تفسیر آیه به شمار می آید، مبین تعیین آن بر وجوب است. (حر عاملی، ۱۴۲، ج ۸، ص ۱۷۱).

آیه دوم

«وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةً إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (بقره/۱۹۶): و حج و عمره را برای خدا به اتمام رسانید. و اگر بازداشته شدید، پس آنچه از قربانی فراهم شود (قربانی کنید). و سرهایتان را متراشید، تا (هدی) قربانی به محلش برسد. و هر کس از شما بیمار بود، و یا برایش ناراحتی از ناحیه سرش رسید، (و ناچار شود در احرام سر بتراشد)، پس توانی از [قبیل] روزه یا بخششی صداقانه یا (نُسک) قربانی [بدهد]. و هنگامی که ایمنی یافتید، پس هر کس با عمره از حج بهرمند شود، (و حج تمتع نماید)، پس آنچه از قربانی برای او فراهم شود، (قربانی کند)، و هر کس نیافت، پس سه روز در [موسم] حج، و هفت [روز] هنگامی که بازگشتید، روزه بدارد. این، ده [روز] کامل است. این [حج تمتع] برای کسی است که خانواده اش، ساکن [اطراف] مسجد الحرام نباشد. و [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید، و بدانید که خدا سخت کیفر است. برخی از لغات: أُحْصِرْتُمْ: حصر به معنی تنگ گرفتن و حبس است، احصار آنست که کسی به وسیله دشمن یا



مرض یا غیر آن از اتمام عمل حج یا عمره ممنوع گردد. هدی: قربانی مخصوص حج است و قربانی‌های دیگر را اُضحیه گویند. نسک: عبادت. ناسک: عابد. مراد از آن در آیه گوسفند قربانی است. ولی به اعمال حج نیز مناسک گفته می‌شود عمره: عمل به خصوصی است که قبل از اعمال حج تمتع انجام می‌شود. این لفظ از عماره به معنی آبادی است گویی با عمل عمره، کعبه آباد و دائر می‌شود. (قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، ذیل آیه ۱۹۶ سوره بقره).

ب- برداشت‌های هاوتینگ از آیه

۲- وجوب حج و عمره

در آغاز آیه فرمان به پایان رساندن و اتمام عمل حج و عمره است. آیا حج و عمره هردو واجب است؟ انطوری که عبارت قرانی اقتضا دارد!! و بیشتر عالمان معتقد به وجوب آن، اند! یا اینکه حج واجب و عمره مستحب است؟. انطوری که برخی از عالمان اسلامی در فقه و تفسیر قائل است! طبق نظریه قائلین به استحباب عمره، کلمه «عمره» به لحاظ نحوی، یا مبتدا است، یا مفعول برای فعل اتموا است. و وجوب حج را از آیه ۹۷ سوره آل عمران می‌توان استفاده کرد. اما طرفداران ماهیت وجوب، بر اساس روایتی: قال الامام صادق (ع): «العمرة واجبة على الخلق بمنزلة الحج ... لان الله عز و جل يقول «و اتموا الحج و العمرة لله» (سیوطی، ۱۴۱۴، ج ۱/۵۰۲). امام باقر (ع): «ان العمرة واجبة بمنزلة الحج.» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۵۸). می‌گوید: پیامبر (ص) عمره را مانند حج برای مسلمانان واجب اعلان کرده است؛ و عالمان شیعه امامیه بالاتفاق، عمره‌ای همراه با حج تمتع را واجب می‌دانند. در، عمره واجب است؟ یا مستحب؟.

بررسی

به نظر می‌رسد که آقای هاوتینگ، راجع به اعمال و مناسک حج خوب مطالعه نکرده، چرا که در منابع اسلامی، مسائل حج و عمره خوب بیان شده است. به عنوان مثال: مجموع عمره و حج که وظیفه مردمان دور از مکه (به مسافت بیش از ۴۰ میل) است حج تمتع نامیده می‌شود. حج بدون عمره را حج افراد و حج قرآن می‌گویند. که وظیفه اهالی مکه یا کسانی کمتر



از ۴۰ میل است می باشد. و عمره بدون حج را عمره مفرده می نامند، که برای عموم مکیان و غیر مکیان است. (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱/ ۳۶۳-۳۶۴). در نتیجه عمره که همراه با حج تمتع است، بالاتفاق همه مذاهب اسلامی واجب می دانند. اما عمره مفرده را بالاتفاق مستحب می دانند، احتمالاً اقای هاتینگ بین دو عمره تفکیک نکرده باشد.

۱-۲-۲، احصار در اعمال حج

مسئله دوم که اقای هاتینگ از ایه دوم استنباط کرده، عبارت «...فَإِنْ أَحْصَرْتُمْ...» است. این عبارت قرانی، بیان می دارد که اگر کسی به قصد زیارت وارد انجام اعمال حج و عمره شود، اگر مانعی، سبب عدم اکمال و اتمام، انجام مراسم حج بشود، چه مانع بیرونی مانند جلوگیری دشمنان از انجام این اعمال، چنانکه در جنگ حدیبیه برای پیامبر (ص) و اصحابش اتفاق افتاد. و چه مانع درونی مانند، بیماری، مشکلات مالی، و...، باید برای جبران، آن نواقص اعمال؛ قربانی کنند. و عهده خود را برئ نمایند و از احرام خارج شوند. این در حالی است که روایات واقعه ای حدیبیه، که پیامبر (ص) به صحابه خود دستور داد که در حدیبیه که «بالاتفاق خارج از مکه» است، با قربانی کردن، مُجَل شوند، و دیگر وظیفه ای ندارند. اما در سال بعد به مکه رفته و «عمره القضاء» یعنی عمره تکمیل کننده، بجا آورده اند.

این روایات با ایه قران در تعارض است. چرا که ایه می گوید: تا قربانی به زمان و مکان خود نرسد، محرمات حال احرام از وی مرتفع نمی شود. اما روایت واقعه حدیبیه «عمره القضاء» را مطرح کرده است. (G.R. Hawting, 2004, Vo, 4, p. 95-97).

چنانکه در میان فرقه های اسلامی در این باره اختلاف است، مالکی ها روایت را ترجیح داده اند، و تنها انحصار بیماری را استثنا کرده اند، ولی بقیه مذاهب حکم ایه را ترجیح داده اند. (G. R. Hawting, 2004, Vo, 4, p. 94..). در نتیجه اعمال حج و عمره، بر اساس فرمان قران نبوده، و قران نقشی ان چنانی در این زمینه ایفا نکرده است.



بررسی

در آیات قرآن دو واژه «احصار» (بقره/۱۹۶) و «صد» (مائده/۲؛ فتح/۲۵، انفال/۳۴؛ و...) در رابطه با اعمال و مناسک حج و عمره به کار رفته است. با این تفاوت که واژه احصار در لغت به معنای در تنگنا قراردادن و صد به معنای منع کردن است. (طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۱/۵۲۳). و در اصطلاح فقهی گرچه (گروهی از فقهای امامیه میان دو اصطلاح «احصار» و «صد» به استناد به روایت (قال الصادق (ع): «المحصور غیر المصدود، المحصور المریض، والمصدود الذی یصده المشرکون کما ردوه رسول (ص) و اصحابه لیس من مرضی»). کلینی، ۱۳۷۵، ج ۴/۳۶۹). و شأن نزول ایه ۱۹۶ سوره بقره، که مورد بحث است، تفکیک قائل شده اند. آنان احصار را در خصوص مانع درونی، مانند بیماری و صد را در خصوص موانع بیرونی، مانند جلوگیری دشمن به کار می برند؛ و بر این اساس میان حکم هر کدام تفاوت قائل شده اند). اما هردو واژه، به معنی بازداشتن مُحَرَّم، از انجام مناسک حج یا عمره است که چه بر اثر عوامل بیرونی، از قبیل دشمن، چه عوامل درونی، مانند بیماری صورت می گیرد. (مشکینی، ۱۳۹۲، ص ۴۳؛ وزارت اوقاف، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۲۸). در هردو صورت (منع بر اثر صد باشد یا حصر) حج گزار با قربانی کردن، می تواند از حالت احرام خارج شود. اما سخن هاوتینگ «حدیبیه بالاتفاق خارج از مکه» است. این اتفاق از کجا بدست آمده؟ در حالی که طبرسی در ذیل ایه ۹۶ سوره آل عمران روایتی را از امام باقر (ع) نقل می کند که «بکه» مسجد الحرام است و «مکه» تمام الحرام است. (طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۲/۷۹۸). علی هذا حدیبیه داخل مکه است، و در ایه ۲۴ سوره فتح: «وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيَّدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ...» از حدیبیه تعبیر به بطن مکه شده است، در نتیجه بطن مکه یعنی درون مکه که حدیبیه باشد. ثانیاً در باب «عمره القضاء» اختلاف است. «عمره القضاء»، گرچه طبق بیانات عالمان شیعه، همان جبران عمره سال ۶ هجرت است، که در سال هفتم هجرت انجام شده است، اما طبق روایات اهل سنت، «عمره القضاء» به شرح ذیل است: «وَتُسَمَّى أَيْضًا عُمْرَةُ الْقَضِيَّةِ، وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ بِعُمْرَةِ الْقَضَاءِ وَالْقَضِيَّةِ؛ لِأَنَّهُ (ص) قَاضَى قُرَيْشًا فِيهَا، لَا أَنَّهَا وَقَعَتْ قَضَاءً عَنِ الْعُمْرَةِ الَّتِي صَدَّ عَنْهَا؛ إِذْ لَوْ كَانَ كَذَلِكَ لَكَاتَتْ عُمْرَةً



واحدة» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۸، ج ۶۳۵/۷، کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲۵۱/۴). و اینکه حکم ایه شریفه، با روایت داستان حدیبیه، در تعارض باشد، چنین تعارضی گفته نشده، چرا که ایه صراحت دارد، به اینکه، رسیدن قربانی، به قربانگاه، سبب احلال می شود، اما اینکه در حج سال حدیبیه، قربانی، به محل خود رسید یا نه؟ ایه ساکت است. و اینکه سال هفتم هجرت «عمره القضا» انجام شده، جبران عمره ناقصه سال گذشته است؛ هیچ تعارضی بین ایه شریفه و روایت حدیبیه وجود ندارد، علاوه بر اینکه ایه در صدد تشریع احکام حج است.

آیه سوم: عرفات، مشعر، مکانهای مقدس

«...فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ...» (بقره/۱۹۸). مومنان پس از کوچ کردن، از عرفات، باید خدا را در مشعرالحرام یاد کنند. عرفات تپه‌ای در حدود ۲۵ کیلو متری شرق مکه، محل عبادت مربوط به «وقوف» است، که بر اساس چند روایت و منابع فقهی، بدون «وقوف» در عرفات، عمل حج باطل است. «مشعر الحرام» به مکان «المعلم» جای که در آن، چیزی شناخته می شود، یا نشانه‌ای در آن وجود دارد تفسیر شده است. در زبان عرف، و فقها و مفسرین، تمام مزدلفه؛ مشعر الحرام است.

در این مورد می توان تصور کرد که کمبود یا نبود مطالب تفصیلی در باب آیات مربوط به حج و عمره، داوری در این باب را ناممکن می کند. مانند اینکه بعضی از شعایر و مکان های که در اعمال مسلمانان از اهمیت اساسی برخوردار است مثل: زمزم، منی، وقوف، رمی جمرات، و... هیچ گاه در قرآن ذکر نشده اند، بلکه معلوم نیست آن اسامی که در قرآن است، بر همان چیزی دلالت کنند که در اسلام رایج وجود دارند. (G. R. Hawting, 2004, Vo, 4, p. 98-99).

علاوه مطابق برخی روایات، هنگامی که پیامبر(ص) بر مکه و مکانهای مربوط تسلط پیدا کرد، در مناسک حج و عمره ی، رایج آن زمان تغییر اساسی نداد. گرچه تغییرات جزئی و حاشیه‌ای را انجام داد. (Ibid. p.95-97). بسیاری از محققان، به پیروی از اسنوک هورخرونیه و ولهاوزن، ادعا کرده اند، که شواهدی وجود دارد که برخی از مکان های مقدس، و مناسک، قبل از اعلان پیامبر(ص)، جدا و متمایز بودند. مثلاً حج، هیچ ارتباطی به مکه و کعبه نداشت، بلکه به کوه



عرفه و سایر مکانهای مقدسی که با مکه فاصله داشتند مربوط می شد. و عمره در اصل مناسکی داشت که به کعبه مربوط نمی شد. اما با آمدن پیامبر اسلام (ص) همه با هم یکی شدند و به گونه ای مقرر شد که نقطه تمرکز آنها کعبه در مکه باشد. و ایه ۱۵۸ سوره بقره مشیر به این امر است. که گاه بر اساس دیدگاه اخیر تفسیر می شود. شاید این ایه حاکی از ادغام مناسک حج و عمره در دوره های اولیه اسلامی باشد. چند محقق دیگر پارا از این فراتر گذاشته و پنداشته اند، ناپیوستگی اساسی در تحول حرم، مسلمانان و مناسک مربوط وجود دارد. برخی دیگر گفته اند که این انتقال اندیشه ها و اعمال عبادی و نام ها، از جاهای دیگر به مکه در زمان ظهور اسلام و سال ها پس از مرگ پیامبر صورت گرفته است. مفاد آیات قرآن با این نظریه های، که در توجه به تغییر حرم و مناسک مربوط به آن، در اسلام، به شواهد دیگری متکی اند، سازگار بوده و مخالفتی ندارند. (Ibid, 2004, Vo, 4, p. 98-99).

چنانکه جان لویس بورکهارت در این باره می نویسد:

«تقدیس و احترام به کعبه میراثی از سنت بت پرستان مکه است که در عربستان رواج داشته و حج محمدی یا زیارت کعبه جز ادامه و تصدیق رسوم باستانی نیست. (جان لویس، ۲۰۰۷م، ج ۱/۱۲۸).

بررسی

برای روشن شدن مسئله، مطالعه ی تاریخ شکل گیری و چگونگی آیین حج به صورت بسیار مختصر لازم است. بر اساس دو عبارت قرانی «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ...» (ال عمران/۹۶)، که در توضیح کعبه به کار رفته. و «وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (حج/۲۹)، که ناظر به بنای کعبه است. شکل گیری و چگونگی، حج و حج گزاردن به زمان حضرت آدم (ع) باز می گردد. سنت حج گزاردن که توسط حضرت آدم (ع) اجرایی گردید، در میان اخلاف وی تداوم پیدا کرد و پیامبران بعد از او به انجام این سنت اهتمام ویژه داشتند، تا اینکه در طوفان نوح ساختمان ناپدید شد و بعد از او به فراموشی سپرده شد. (ابن بابویه، بی تا، ص ۳۹۹). بر اساس آیات (۱۲۵، ۱۲۷) سوره بقره، و آیات (۲۶ و ۲۷ سوره حج) حضرت ابراهیم مامور باز سازی کعبه و احیای آیین حج گردید. از آن پس، حج به عنوان سنت و آیین مقدس با ادابی، احرام



بستن، طواف، سعی، وقوف، قربانی، تهلیل، تلبیه، رمی جمره، در مکان های مانند مشعر، منا، مزدلفه، و...، تداوم پیدا کرد و مناصبی چون کلید داری و خدمت گزاری کعبه نیز پدید آمد. کلبی، هشام بن محمد بن سایب، کتاب الاصنام، ص ۶). این آیین مقدس که توسط ابراهیم با آموزش جبرئیل احیا شده بود، با گذشت زمان، و وقوع انحرافات، و گسترش بت پرستی در اعراب جاهلی، تغییرات ماهوی داد. تا اینکه با ظهور دین مبین اسلام، آیین حج از فرایض دینی مسلمانان قرار داده شد و پیامبر اکرم(ص) با جدّیت تمام در صدد زدودن جلوه های شرک آلود حج بر آمدند که اوج این حرکت در حجة الوداع بود. پیامبر اکرم(ص) در این سفر به صورت عملی، حج توحیدی را بنا نهاد. با توجه به مطالعه این گزارش مختصر، توحید مقدم بر بت پرستی است، و بلکه شرک و بت پرستی انحراف از یگانه پرستی است، و سخنان برنارد لویی، و هاوتینگ مبنی بر اینکه حج محمدی تداوم و ارتقاء یافته رسوم بت پرستی است ادعای باطل و بدون دلیل است، که از مبانی و پیش فرض های مخصوص به خود شان سرچشمه می گیرد و در نتایج بحث به مبانی و پیش فرض های آنها پرداخته می شود

نتیجه

با توجه به بررسی که در هر مسئله گفته شد، برای جمع بندی مطالعه امور ذیل ضرورت دارد.

۱- از حق و حقیقت که نگذریم، مدخل «حج و عمره» که توسط آقای هاوتینگ، مورد کنکاش واقع شده است، از محسنات مانند هدفمند و روشمند بودن، تسلط نسبی بر منابع تاریخی و موضوعات، و تفاسیر است و به نکات جزئی توجه کرده است.



۲- از آنجا که آقای هاوتینگ، در مطالعات خود از عالمان دیگر مانند ونزبرو و برنارد لویس و دیگر خاورشناسان متأثر است^۱ و براساس روش تحلیل ادبی که میراث ونزبرو است آموزه های اسلامی، از جمله آموزه ی حج را مورد مطالعه قرار داده است.^۲

۳- دیدگاه هاوتینگ در باب حج و مسائل مرتبط، در ادامه دیدگاه وی در باره ی خاستگاه اسلام و قرآن است که در مقاله کعبه (Hawting, G, R, Vol.3/79). تطور و تکامل طبیعی و تدریجی بودن قرآن و دین اسلام است. مقاله عربستان پیش از اسلام. تحول و تکامل دینی: ۱- گاه به صورت گرایش مشرکان از بت پرستی به توحید. ۲- گاه به صورت تاثیرپذیری جامعه عرب از جوامع توحیدی خارج از عربستان توصیف شده است. ۳- گاهی به رغم بت پرستی و مشرک بودن اکثر اعراب، نوعی ابتدایی توحید در میان آنها باقی مانده است مطرح شده است. (EQ, Vol.4. p. 253-261)؛ (محمدجواد اسکندرلو و سید حسین علوی، حج از نگاه مستشرقان، با تاکید بر دایره المعارف قرآن لایدن، میقات حج، ش ۱۰۱، پایز ۱۳۹۶).

۴- روش نا صحیح: روش تحقیق هاوتینگ در بررسی آیات متأثر از روش (روش تحلیل ادبی)، (اندرورپین، تحلیل ادبی قرآن، تفسیر و سیره: نگاهی به روش شناسی جان ونزبرو،

^۱ جان ونزبرو در دو کتاب مطالعات قرآنی و محیط فرقه ای، معتقد است که متون کهن اسلامی از جمله قرآن را باید با شیوه ای «تحلیل ادبی» مورد مطالعه قرار داد، چرا که تنها منابعی معتبر برای شناسایی دو دوره نخست اسلام (سده اول و دوم) متون ادبی است که کتب سیره و قرآن در درجه نخست از اهمیت است. بر اساس تحلیل ادبی که شیوه ای جان ونزبرو است، متون کهن اسلامی نمی تواند آنچه را که در دو سده نخست اتفاق افتاده تبیین و باز گو کند. در نتیجه برای مطالعه حوادث صدر اسلام، باید به نظریات محدثان و سیره نویسان بعد از دو سده نخست مراجعه کرد، که فهم شخصی، جهت گیری های قبیله ای و سیاسی، اغراض، در ان دخیل است. و هاوتینگ در بررسی آیات حج، از شیوه ای تحلیل ادبی جان ونزبرو تاثیر پذیرفته است، و برای بررسی آیات، مصدر غیر وحیانی قائل است.

^۲ برای مطالعه «نظریات و روش ونزبرو» به منابع: مهدوی راد، محمد علی، نصرت نیلساز، تاریخ گذاری منسوب به ابن عباس: نقد روش تحلیل ادبی ونزبرو و رپین، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، س ۳، ش ۲، زمستان ۱۳۸۵ ش. نوروزی، امین، نقد نظریه ونزبرو مبنی بر تدوین قرآن در قرن سوم، قرآن پژوهی خاورشناسان، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ش ۲۹. نصر حامد ابو زید، رهیافت ادبی به قرآن، پیشینه، نتایج و دشواریها، ترجمه مهرداد عباسی، مجله ایینه پژوهش، شماره ۱۴۲، سال ۲۴ شماره ۴ مهر و ابان ۱۳۹۲ ش. مراجعه کرد.



ترجمه مرتضی کریمی نیا، پژوهش قرانی، شماره ۲۳-۲۴، ص ۱۹۸) استادش ونزبرو است، که اینگونه روش، با پیش فرض های فردی، نتایج تاریخی متفاوت می دهد به همین جهت است که استفاده از این روش، مورد نقادی برخی از خاورشناسان، از جمله ویلیام گراهام قرار گرفته است؛ (نیلساز، نصرت، خاورشناسان و ابن عباس: تحلیل انتقادی دیدگاههای خاورشناسان در باره آثار تفسیری منسوب به ابن عباس، صص ۴۹-۸۱؛ پویازادده، اعظم، و پیروان، مریم، نقد و بررسی دیدگاه جerald هاوتینگ در کتاب بت پرستی و ظهور اسلام، فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث، صص ۳۸-۴۳).

۵- پیش فرض ناصحیح: پیش فرض بیشتر خاورشناسان برای مطالعه اسلام و قرآن، مبنی بر غیر وحیانی بودن قرآن است، چنانکه خاور شناس روسی تبار فرانسوی، آقای ماکسیم رودنسون می نویسد: «مسئله عدم اصالت اسلام و ابتدای آن بر سایر ادیان، موضوع مشترک میان تمام خاورشناسان است» (الشرقاوی، محمد عبدالله، الاستشراق فی الفکر الاسلامی المعاصر، قاهره، بی تا، ص ۸۴). و این پیش فرض غیر وحیانی خواندن قرآن، اقتباس آن از دیگر منابع است که اغلب خاورشناسان، از جمله هاوتینگ را وادار به اتخاذ آرای مختلف و متفاوت و تشکیک در باره مصدر اسلام و قرآن، و در نتیجه آموزه قرانی و اسلامی بویژه آموزه های حج نموده است.

۶- در رابطه به اینکه چرا قرآن به جزئیات اعمال و مناسک حج نپرداخته است؟ باید گفت که قرآن در مقام بیان یک حقیقت یا قانون و حکم، است تمام جزئیات و خصوصیات مربوط به آن را ارائه نکرده؛ چرا که لازم نبوده، اما در مواردی که لازم بوده جزئیات را نیز بیان کرده. در برخی از موضوعات، آیه در حد ریز، به بیان جزئیات پرداخته و حتی در مواردی تکرار کرده است. مثلاً در جریان داستان حضرت موسی (ع) به صورت مکرر و در حد ریز، به بیان داستان پرداخته، چرا که لازم بوده.

۷- هاوتینگ خود نیز معنای دقیق و روشنی برای معنای واژه «حج» ارائه نکرده. از طرف دیگر حج دارای پیشینه طولانی است، و یک عبادت کاملاً بدیع و تاسیسی از ناحیه اسلام نیست، تا برایش نام و واژه های کاملاً عربی بجویم. تاریخ پیدایش مکه و شکل عبادی حج در



سنت اسلامی طبق برخی از روایات به دوران حضرت ادم باز می گردد. (صفری فروشانی، نعمت الله، مکه در بستر تاریخ، ص ۱۳ به بعد). قرآن به تعمیر مکه توسط ابراهیم و اسماعیل تصریح دارد. (بقره ۱۲۵-۱۲۷). قدمت کعبه و حج در کلام معصومین نیز مورد تایید قرار گرفته است. گزارش های منابع اسلامی نیز حاکی از آن است که بنای کعبه و مناسک حج از زمان حضرت ادم (ع) بوده است؛ حضرت علی (ع) در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه، معروف به خطبه قاصعه این مهم را مطرح کرده است: «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ اخْتَبَرَ الْأَوَّلِينَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ (ص) إِلَى الْآخِرِينَ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ بِأَحْجَارٍ لَا تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ وَلَا تُبْصِرُ وَلَا تَسْمَعُ فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلَهُ لِلنَّاسِ قِيَامًا»: آیا مشاهده نمی کنید که همانا خداوند سبحان، انسان های پیشین از آدم (ع) تا آیندگان این جهان را با سنگ هایی در مکه آزمایش کرد که نه زیان می رسانند، و نه نفعی دارند، نه می بینند، و نه می شنوند این سنگ ها را خانه محترم خود قرار داده و آن را عامل پایداری مردم گردانید.

«ثُمَّ أَمَرَ آدَمَ (ع) وَوَلَدَهُ أَنْ يَتَنُوا أَعْطَاهُمْ نَحْوَهُ فَصَارَ مَثَابَةً لِمُنْتَجِعِ أَسْفَارِهِمْ وَغَايَةً لِمُلْقَى رِحَالِهِمْ تَهْوِي إِلَيْهِ يَمَارُ الْأَفْنَدَةِ. مِنْ مَفَاوِزِ قِفَارٍ سَحِيقَةٍ وَ مَهَاوِي فِجَاجٍ عَمِيقَةٍ وَ جَزَائِرِ بَحَارٍ مُنْقَطِعَةٍ حَتَّى يَهْزُوا مَنَاكِبَهُمْ ذُلًّا يَهْلُلُونَ لِلَّهِ حَوْلَهُ وَ يَرْمُلُونَ عَلَى أَقْدَامِهِمْ شُعْنًا غُبْرًا لَهُ قَدْ تَبَدُّوا السَّرَابِيلَ وَزَاءَ ظُهُورِهِمْ وَ شَوْهُوا بِإِعْفَاءِ الشُّعُورِ مَحَاسِنَ خَلْقِهِمْ ابْتِلَاءً عَظِيمًا وَ امْتِحَانًا شَدِيدًا وَ اخْتِبَارًا مُبِينًا وَ تَمْحِصًا بَلِيغًا جَعَلَهُ اللَّهُ سَبَبًا لِرَحْمَتِهِ وَ وَصْلَةً إِلَى جَنَّتِهِ...» (صبحی صالح، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲). سپس آدم (ع) و فرزندان او را فرمان داد که به سوی کعبه برگردند، و آن را مرکز اجتماع و سر منزل مقصود و بار اندازشان گردانند، تا مردم با عشق قلب ها به سرعت از میان فلات و دشت های دور، و از درون شهرها، روستاها، دره های عمیق، و جزایر از هم پراکنده دریاها به مکه روی آورند، شانه های خود را بجنبانند، و گرداگرد کعبه لا اله الا الله بر زبان جاری سازند، و در اطراف خانه طواف کنند، و با موهای آشفته، و بدن های پر گرد و غبار در حرکت باشند. لباس های خود را که نشانه شخصیت هر فرد است در آورند، و با اصلاح نکردن موهای سر، قیافه خود را تغییر دهند، که آزمونی بزرگ، و امتحانی سخت، و آزمایشی آشکار است برای پاکسازی و خالص شدن، که خداوند آن را سبب رحمت و رسیدن به بهشت قرار داد.



ادعای برخی تعارضات در برخی آیات قرآن، اغلب از باب اختلاف تفسیری یا اختلاف در قرائات است که خود هاوتینگ به این اختلافات اشاره کرده، و این دو اختلاف، حاصل نظریات علمی عالمان مسلمان است که ارتباط به قرآن ندارد، چرا که اختلافات مبتنی از برداشت های علمی و تفسیری است. و علاوه بر خواسته از مبانی نظری خاورشناسان است که این مبانی توسط دانشمندان مسلمان هم به صورت کلی و هم به صورت جزئی پاسخ داده شده است. در این زمینه به منابع: (رضای اصفهانی، حلیم اف، مبانی نظری مستشرقان در مورد تناقضات آیات قرآن، دوفصلنامه تخصصی قرآن پژوهی خاورشناسان، ش ۶، س ۱۳۸۸ ش. ص ۱۰۵-۱۳۵). علیرضا حیدری، نقد و بررسی نظریه برخی از مستشرقان در باب تناقض در آیات قرآن کریم، پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره ۶، شماره ۲۰، خرداد ۱۳۹۴، صفحه ۱۳۵-۱۶۳. نقد شبهات مستشرقان درباره تناسب آیات قرآن، محمد حسن زمانی، علی قانع اردکانی، قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۱۲. می توان مراجعه کرد.

۸- هدف خاورشناسان: ارتباط دادن مفاهیم قرآنی به هنجارهای اجتماعی بیرون از قرآن است. مانند هنجارهای تاریخی، محیطی، مانند نمو قرآن در محیط یهودی مسیحی از طرف دیگر: ریشه توهم این تناقضات: «عام و خاص»، «ناسخ و منسوخ» و آیات «محکم و متشابه» در عدم آشنایی افراد با مفاهیم و علوم قرآنی است. و در جواب جان لویس بورکهارت می توان گفت: حج محمدی و اسلامی، بر پایه حج ابراهیمی است که پیامبر اسلام (ص) در سنت خود احیاء و بازسازی کرد و پس از تصحیح انحرافات احتمالی در مدت دوره فترت رُسُل، به روش ابراهیمی باز گرداند.



فهرست منابع

منابع فارسی

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، مکتبه الداوری، ایران- قم، بی تا.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ه.ق.
۳. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المخصص، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، لبنان- بیروت، چ ۱، بی تا.
۴. اسد ابادی معتزلی، قاضی عبدالجبار، المغنی فی ابواب التوحید والعدل، بی تا، بی مکان.
۵. بورکهارت، جان لویس، ترحال فی جزیره العربیه، ترجمه حسن، صبری محمد، المركز القومي للترجمه، مصر- قاهره، ۲۰۰۷ م.
۶. تهانوی، محمد علی بن علی، موسوعه کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، مکتبه لبنان ناشرون، لبنان- بیروت، ۱۹۹۶.
۷. حر عاملی، محمد بن حسین، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه، تحقیق ابوالحسن شعرانی، دار احیاء التراث العربی، لبنان- بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، از: غلامرضا خسروی حسینی، تهران، تاصر خسرو، چ ۱، ۱۳۶۳ ش.
۹. سلطانی، مسعود، اقصى البیان فی آیات الاحکام و فقه القرآن، ایران- قم، ۱۳۹۳ ق. بی مکان.
۱۰. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر الماثور، دارالفکر، بیروت- لبنان، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. الشرقاوی، محمد عبدالله، الاستشراق فی الفكر الاسلامی المعاصر، قاهره، بی تا.
۱۲. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، تحقیق: ال یاسین، محمد حسن، عالم الکتب، لبنان- بیروت، ۱۴۱۴ ق.



۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، تحصحیح رسولی محلاتی، هاشم، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت- لبنان، ۱۴۰۸ق.
۱۴. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرين و مطلع النیرین، بنیاد بعثت، ایران- قم، ۱۴۱۴ق.
۱۵. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، تهران، ۱۳۸۸ش.
۱۶. قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بازار سلطانی، چ ۷، ۱۳۷۸ش.
۱۷. _____، تفسیر احسن الحدیث، ایران- تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ش.
۱۸. کلبی، هشام بن محمد بن سایب، کتاب الاصلنام، تحقیق: زکی احمد، دارالکتب المصریه، مصر- قاهره، ۲۰۰۰م.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، ایران- قم، ۱۳۷۵ش.
۲۰. مشکینی اردبیلی، علی، مصطلحات الفقه، تحقیق: احمدی جلفای، حمید، دارالحدیث، ایران- قم، ۱۳۹۲ش.
۲۱. نیلساز، نصرت، خاورشناسان و ابن عباس: تحلیل انتقادی دیدگاههای خاورشناسان در باره آثار تفسیری منسوب به ابن عباس، ایران- تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۱/۱۳۹۳.
۲۲. وزارت اوقاف کویت، الموسوعه الفقهیه، دوله الکویت، ۱۴۱۴ق.

مقالات

۲۳. اندرو روپین، تحلیل ادبی قرآن، تفسیر و سیره: نگاهی به روش شناسی جان ونزوبرو، ترجمه: مرتضی کریمی نیا، پژوهشهای قرآنی، شماره ۲۳ و ۲۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۹ش.



۲۴. پویازادده، اعظم، و پیروان، مریم، نقد و بررسی دیدگاه جرالدهاوتینگ در کتاب بت پرستی و ظهور اسلام، فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال یازدهم پاییز ۱۳۹۳ شماره ۳ (پیاپی ۲۳).
۲۵. محمدجواد اسکندرلو و سید حسین علوی، حج از نگاه مستشرقان، با تاکید بر دایره المعارف قرآن لایدن، میقات حج، ش ۱۰۱، پاییز ۱۳۹۶.
۲۶. مهدوی راد، محمد علی، نصرت نیلساز، تاریخ گذاری منسوب به ابن عباس: نقد روش تحلیل ادبی ونزبرو و ریپین، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، س ۳، ش ۲، زمستان ۱۳۸۵ ش.
۲۷. نصر حامد ابو زید، رهیافت ادبی به قرآن، پیشینه، نتایج و دشواریها، ترجمه مهرداد عباسی، مجله ایینه پژوهش، شماره ۱۴۲، سال ۲۴ شماره ۴ مهر و ابان ۱۳۹۲ ش.
۲۸. نوروژی، امین، نقد نظریه ونزبرو مبنی بر تدوین قرآن در قرن سوم، قرآن پژوهی خاورشناسان، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ش ۲۹.

منابع انگلیسی

29. G.R. Hawting, Worship, EQ, 2006, VO.5.
30. Gerald Hawting, Pilgrimage, EQ, Brill, Leiden, 2004, Vo, 4.